

# حقوق بشر در اسلام

شیخ الاسلام مفتی محمد تقی عثمانی  
ترجمه و اقتباس: عبدالصمد حسن زهی

از یکی از سخنرانی‌های شیخ الاسلام علامه مفتی محمدتقی عثمانی (حفظه الله) اقتباس و ترجمه شده تقدیم خوانندگان می‌گردد.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ  
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (۱)

«البته شما را در اقتدای به رسول خدا خیر و سعادت بسیار است، برای آنکس که به ثواب و روز قیامت امیدوار باشد و خدا را بسیار یاد کند».

آنچه از سیرت پیامبر خدا ﷺ در اینجا مورد بحث ماست، آن است که ایشان درباره‌ی حقوق بشر چه راهنمایی و دستوری آورده است. علت پرداختن به این موضوع این است که در حال حاضر در تمام جهان، بازار این بدآموزی گرم است که اگر بخواهیم اسلام را به صورت عملی نافذ کنیم، حقوق بشر (Human Rights) نقض شده و از بین می‌رود.

این تبلیغات به گونه‌ای مطرح می‌شود که گویا ایده‌ی حقوق بشر برای اولین بار از ایوانهای مغرب زمین بلند شده و قبل از همه، غربیها هستند که حقوق انسان را ادا می‌کنند و در رهنمودهای محمد رسول الله ﷺ از حقوق بشر هیچ بحثی وجود ندارد.

## ایده‌ی حقوق بشر و تحول آن در طول تاریخ

سؤالی که می‌خواهم در این جا به آن پاسخ دهم این است که آیا در اسلام یک تصور جامع از حقوق بشر وجود دارد یا خیر؟

اگر به تاریخ بشریت نگاهی بیندازیم، از ابتدای آفرینش تا

اشاره: از دیر باز دانشمندان درباره‌ی آینده و پیشرفت بشر اظهار نظر کرده‌اند.

این دانشمندان به بشریت نوید می‌دهند که در آینده، هیچ‌کس مسایلی مانند مشکل مسکن، درمان، کار، تحصیل، ازدواج، نقض حقوق و غیره نخواهد داشت. زندگی راحت و ایده آل و تحقق مدینه فاضله از حالت رویا در آمده و به واقعیت تبدیل خواهد شد.

سازمانهایی با نام پرطمطراق دفاع از حقوق بشر تشکیل شده، اما این سازمانهای به ظاهر مدافع حقوق بشر، انگشت جایی می‌گذارند که پای ابر قدرت و زورگویی در میان نباشد.

اگر یک ابر قدرت یا زورگو منطقه‌ای مسکونی و افراد عادی را بمباران شیمیایی کند، هیچ بحثی از نقض حقوق بشر در آن خطه به میان نمی‌آید و این اعمال غیر انسانی با بی‌شماری و به طرز وقیح، توجیه و تأویل می‌شود.

اینان از رهنمود انبیا محروم و از احکام اسلام ناآگاه هستند. حقوقی را که اسلام برای بشریت و اقشار مختلف آن در نظر گرفته اگر بدان عمل شود، به بشریت هویت می‌بخشند و بطور حتم از سردرگمی که در حال حاضر دچار آن است رهایی می‌یابند.

اسلام نه تنها برای انسانیت حقوق روشن و مشخصی را تعیین کرده، بلکه رسول خدا ﷺ و یاران با وفا و رهروان راستین ایشان طی قرون متمادی این حقوق را عملاً به بشریت عرضه کرده‌اند، گرچه امروزه از گوشه و کنار دنیای مدرن این شعار سر داده می‌شود که قوانین اسلام در عصر حاضر عملی نیستند.

به هر حال جهت آگاهی بیشتر از حقوق بشر در اسلام مقاله حاضر که



آنچه از سیرت پیامبر  
خدا ﷺ در اینجا مورد  
بحث ماست، آن است که  
ایشان درباره‌ی حقوق بشر  
چه راهنمایی و دستوری  
آورده است. علت  
پرداختن به این موضوع  
این است که در حال حاضر  
در تمام جهان، بازار این  
بدآموزی گرم است که اگر  
بخواهیم اسلام را به صورت  
عملی نافذ کنیم، حقوق بشر  
(Human Rights)  
نقض شده و از بین  
می‌رود.  
\*\*\*  
بزرگترین هدیه و کمک  
(Contribution)  
و دستاورد را درباره‌ی  
حقوق بشر پیامبر  
اکرم ﷺ به ارمغان  
آورد. ایشان قانونی آورده  
که بر اساس آن می‌توان  
فهمید که کدام حق بشر  
ثابت و کدام حق بشر قابل  
تغییر است.

امروز تصورات حقوق بشر در ذهن بشر دایم در حال تغییر بوده است. در یک زمان و یک خطه یک حق برای انسان الزامی بود، اما پس از مدتی و یا در مکانی دیگر این قانون لغو می‌شد.

با بررسی تاریخ بشر در می‌یابیم که در هر زمان انسان با تفکر خود یک لایحه به وجود آورده، با شور و هیجان به تبلیغ آن پرداخته و مخالفت با آن را جرم دانسته است. هنگامیکه رسول خدا ﷺ مبعوث شد، تصور خاصی از حقوق بشر در جوامع آن زمان وجود داشت که سراسر آن سرزمین را فرا گرفته بود و همان تصور، معیار حق و الزامی بود. به عنوان مثال باید عرض کنم که از مفاد حقوق بشر آن زمان یکی این بود که هر کس غلام یک نفر می‌شد، نه تنها جان و مال او متعلق به ارباب بود، بلکه به غلام هیچ حقی از حقوق اولیه‌ی یک انسان تعلق نمی‌گرفت؛ از حقوق اساسی ارباب یکی این بود که می‌توانست به گردن او طوق آهنی بیندازد یا به پاهای او زنجیر ببندد، برای این که این عمل خود را توجیه (*justify*) کرده و آن را مبنی بر انصاف جلوه دهند، فلسفه‌های گوناگونی عرضه می‌کردند که گزارش مفصل آن موجود است. اگر بگویید که این مسئله مربوط به ۱۴۰۰ سال قبل است، پس به بررسی چند دهه‌ی قبل می‌پردازیم. زمانی در آلمان و ایتالیا فاشیسم و نازیسم سر بلند کرد، اما امروز فاشیسم و نازیسم به یک ناسزا تبدیل شده است. اگر شما فلسفه‌ی آنان را مطالعه کنید و بخواهید فقط بر اساس عقل آن را رد کنید، کار آسانی نیست. طرز تفکر آنان این بود که یکی از حقوق اساسی قدرتمندان این است که بر فقرا حکومت کنند و ضعفا موظف‌اند که در مقابل قدرت سر خم کنند، این طرز اندیشه متعلق به همین چند سال قبل است.

پس در طول تاریخ تصورات و افکار انسان در مورد حقوق بشر یکسان نمانده و مرتب تغییر کرده است. در یک زمان یک چیز را حق قرار داده و زمانی دیگر

چیز دیگری را حق گفتند و سخن گفتن بر خلاف آن را جرم دانستند، چه تضمینی وجود دارد که آنچه را که امروزه به عنوان حقوق بشر مطرح می‌کنند و حفظ آن را الزامی می‌دانند، فردا تغییر نکند و در آن انقلابی نیاید. چه مبنایی وجود دارد که بتوان این ایده را درست قلمداد کرد.

بزرگترین هدیه و کمک (*Contribution*) و دستاورد را درباره‌ی حقوق بشر پیامبر اکرم ﷺ به ارمغان آورد. ایشان قانونی آورد که بر اساس آن می‌توان فهمید که کدام حق بشر ثابت و کدام حق بشر قابل تغییر است.

اگر راهنمایی و آموزش رسول خدا ﷺ را به عنوان اساس نپذیریم، پس در این دنیا نزد هیچ کس هیچ گونه معیاری وجود ندارد که بر اساس آن پی ببریم که چه حقی برای بشریت لازم و قابل حفظ است.

### خودکفایی اسلام

در جواب کسانی که می‌گویند: ابتدا باید بدانیم که اسلام چه حقوقی برای ما در نظر گرفته است، سپس ما اسلام را می‌پذیریم. بنده می‌گویم: «اسلام به شما نیازی ندارد».

اگر از همان ابتدای کار این تصمیم را بگیرید که هر جا به این حقوق برسیم بدانجا رخ می‌نماییم و از آنجایی که این حقوق در اسلام وجود دارند ما نیز اسلام را می‌پذیریم. فراموش نکنید که اسلام به شما نیازی ندارد. مفهوم اسلام آوردن این است که انسان ابتدا عجز و در ماندگی خود را عرضه کند که در حل برخی از مسایل عقل و اندیشه من عاجز مانده است. حالا نیاز به یک ایده‌ای دارم که بتوانم بر اساس آن مسایل خود را حل کنم. وقتی انسان با این طرز تفکر اسلام را می‌پذیرد، اسلام وی را هدایت و راهنمایی می‌کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>(۱)</sup> این قرآن



«هدایتی برای متقین است».

معنی متقین این است که در دل طلب وجود داشته باشد و انسان به عجز و درماندگی خود اعتراف کند، پس به مالک و خالق خود مراجعه کند که شما به من بگویید که راه راست کدام است؟.

از این رو در جهان امروزی مُتداول شده است که مردم می‌گویند: «ابتدا باید ما بدانیم که در اسلام کدام حق از حقوق بشر به ما می‌رسد بعد ما اسلام را می‌پذیریم. این روش اسلام آوردن نیست».

هنگامی که رسول خدا ﷺ اَمّت را به اسلام دعوت کرد و کفار را به اسلام فرا خواند، در هیچ کجا نفرمود که اسلام بیاورید، فلان و فلان حق به شما تعلق می‌گیرد، بلکه فرمود: شما را به عبادت خداوند دعوت می‌کنم، «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِبُوا» «ای مردم لا اله الا الله بگویید تا رستگار می‌شوید».

بنابر این اگر کسی به خاطر منافع، مصالح و خواسته‌های مادی خود اسلام می‌آورد در واقع در پی یافتن راه درست و با اخلاص نیست زیرا کسی که می‌خواهد به صراط مستقیم دست یابد، ابتدا باید به عجز خود اعتراف کند و بداند که عقل انسان این قابلیت را ندارد که این مسایل را حل کند.

### محدوده عملکرد عقل

عقلی که خداوند به انسان عنایت کرده بیهوده نیست، بلکه تا زمانی که در محدوده عقل از آن استفاده کنیم بسیار کار آمد می‌باشد، اما هرگاه فراتر از حدود عقل از آن کار بگیریم جواب منفی و نادرست می‌دهد. از این پس خداوند وسیله دیگری برای کسب علم به نام وحی الهی در اختیار بشر قرار داده است.

هنگامی که جولان عقل پایان می‌یابد، وحی الهی به فریاد انسان می‌رسد. از این رو فرمان خدا و رسول را به صرف این که با عقل درست در نمی‌آید، نمی‌توانیم رد کنیم و این عمل در واقع نتیجه ندانستن حقیقت وحی الهی است زیرا اگر در عقل می‌گنجید، نیازی به وحی نبود. عِلّت آمدن وحی همین است که شما تنها به وسیله عقل نمی‌توانستید به این پاسخ برسید، از این رو خداوند به وسیله وحی شما را یاری کرد.

اگر عقل قادر می‌بود که به تنهایی تصمیم بگیرد، خداوند ﷻ دستور نازل می‌کرد که ما به شما عقل داده‌ایم. هر آنچه با عقل شما منطبق بود و خوب به نظر رسید، انجام دهید و هرکاری را که بد تشخیص دادید، از آن بپرهیزید دیگر نیازی به کتاب، رسول، پیامبر، مذهب و دین نبود. اما هنگامی که خداوند ﷻ تنها به دادن عقل اکتفا نکرد، بلکه رسول، کتاب و وحی را فرستاد، مشخص می‌شود که عقل به تنهایی برای راهنمایی بشر کافی نیست. امروزه بعض مردم می‌گویند: چون فلسفه این مسأله در عقل ما نمی‌گنجد، ما آن را نمی‌پذیریم. در واقع آنان از حقیقت دین آگاه نیستند و هیچ گاه به فلسفه‌ی آن پی نبرده‌اند.

### روش حفظ حقوق

حضرت پیامبر اکرم ﷺ روشن کرد که کدام حق انسان باید محفوظ بماند و کدام حق قابل حفظ نیست. قبل از هر چیز باید بفهمیم که پیامبر اکرم ﷺ چه حقوقی را برای انسان در نظر گرفته و کدام حق را لازم ندانسته است. بزرگترین دستاورد رسول اکرم ﷺ برای بشریت اینست که اساسنامه‌ای برای حقوق بشر تعیین کرد.

یک رشته از حقوق را به رسمیت شناخت (*Recognition*) و بعد با عملی کردن و اجرای آن حقوق طرحی به بشریت ارائه داد.

امروزه در جهان، بسیاری مدعی به رسمیت شناختن حقوق بشر هستند و آن را تبلیغ می‌کنند و شعار می‌دهند، اما زمانی که در میدان عمل وارد می‌شوند عقب نشینی می‌کنند. خود همین مدعیان حفظ حقوق بشر وقتی که بینند منافعیشان در خطر است، بی‌درنگ این حقوق را پایمال می‌کنند.

### جهان امروز

در عصر جدید یکی از حقوق اولیه‌ی بشر اینست که تعیین حکومت با اکثریت آرای مردم انجام پذیرد، یعنی جمهوری، سکولار و دموکراسی.

مدتها است کتابی با نام «پایان تاریخ و آخرین انسان» (*The end of History and the last man*) از

**هنگامی که جولان عقل  
پایان می‌یابد، وحی الهی  
به فریاد انسان می‌رسد. از  
این رو فرمان خدا و رسول  
را به صرف این که با عقل  
درست در نمی‌آید،  
نمی‌توانیم رد کنیم و این  
عمل در واقع نتیجه  
ندانستن حقیقت وحی  
الهی است زیرا اگر در عقل  
می‌گنجید، نیازی به وحی  
نبود. علت آمدن وحی  
همین است که شما تنها به  
وسیله عقل نمی‌توانستید به  
این پاسخ برسید، از این رو  
خداوند به وسیله وحی  
شمارا یاری کرد.**

\*\*\*

**امروزه در جهان، بسیاری  
مدعی به رسمیت شناختن  
حقوق بشر هستند و آن را  
تبلیغ می‌کنند و شعار  
می‌دهند، اما زمانی که در  
میدان عمل وارد می‌شوند  
عقب نشینی می‌کنند. خود  
همین مدعیان حفظ حقوق  
بشر وقتی که ببینند  
منافعشان در خطر است،  
بی‌درنگ این حقوق را  
پایمال می‌کنند.**

نویسنده‌ای آمریکایی در تمام جهان معروف است که  
مورد پسند اکثر تحصیل‌کردگان و صاحب‌نظران قرار  
گرفته است.

خلاصه این کتاب اینست که پایان تاریخ (History)  
انسان بر نظام جمهوریت است. دیگر برای عروج و  
پیشرفت بشر نظریه‌ی جدیدی به وجود نمی‌آید.

همان‌گونه که ما به ختم نبوت بر حضرت محمد ﷺ  
معتقد هستیم، نویسنده‌ی این کتاب و طرفداران این  
نظریه نیز عقیده دارند که زمان پایان دادن به اختلاف  
نظرها فرا رسیده و غیر از دموکراسی ایده‌ی دیگری  
برای تعالی انسان پدید نمی‌آید.

و این شعار را سر می‌دهند که هر چه اکثریت مردم  
بگویند، حق است و باید مورد قبول واقع شود، اما اگر  
همین اکثریت در الجزایر پیروز شود و در انتخابات  
اکثر آرا را بدست آورد، جمهوری از بین می‌رود و  
این پیروزی خطری برای جمهوریت به شمار می‌رود.  
از این رو شعار دادن آسان است، اما عمل کردن و به  
مردم نشان دادن مشکل است. این شعار دادن بسیار  
پسندیده است که انسانها به حقوق خود برسند. باید  
آزادی اظهار نظر وجود داشته باشد و مردم خودشان  
سرنوشت خود را تعیین کنند. همه‌ی این مسایل به جای  
خود درست است اما از طرفی دیگر حق تعیین  
سرنوشت مردم را پایمال کرده و آنان را در آسیاب  
خسونت له می‌کنند.

کسانی که برای دفاع از مردم قیام می‌کنند، زبانشان  
بریده می‌شود و همین مدعیان جمهوریت آنان را به  
دادگاه می‌کشند.

پس، تنها این درست نیست که با زبان گفته شود که  
حقوق بشر چیست، بلکه باید آنچه با زبان گفته می‌شود  
به آن عمل شود و به مردم نشان داده شود. این کار را  
رسول اکرم ﷺ انجام داد و هر حقی را که برای مردم  
در نظر می‌گرفت، با عمل خود آنرا به مردم نیز ارایه  
می‌کرد.

### خلاف عهد در اسلام

زمان جنگ بدر است. حضرت حدیفه بن یمان رضی الله عنه  
همراه پدرش، برای زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله عازم  
مدینه منوره شد. در بین راه به لشکر ابوجهل برخورد  
کردند. لشکریان به او گفتند: ما به شما اجازه‌ی رفتن  
نمی‌دهیم چون شما پس از رسیدن به مدینه در جنگ  
علیه ما شرکت می‌کنید.

آنان مضطرب و پریشان شدند که ما برای ملاقات و  
زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله عازم سفر بودیم، ولی ما را از  
این سفر باز داشتند.

بالاخره لشکریان ابوجهل گفتند: ما به این شرط به شما  
اجازه‌ی رفتن می‌دهیم که عهد کنید، با ما نجنگید. اگر  
این عهد را بکنید، ما نیز شما را رها می‌کنیم.

حضرت حدیفه و پدرش وعده دادند که ما فقط برای  
زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رویم و در لشکر ایشان  
شرکت نمی‌کنیم و با شما نمی‌جنگیم. از این رو کفار به  
آنان اجازه دادند که به مدینه بروند. این دو بزرگوار به  
مدینه رسیدند و زمان جنگ فرا رسید. در این جنگ  
یک هزار مرد مسلح و شجاع در مکه آماده نبرد بودند  
و در مقابلشان ۳۱۳ نفر غیر مسلح با ۸ شمشیر، ۲ اسب  
و ۷۰ نفر شتر قرار داشتند.

بعضی چوب دستی و عده‌ای سنگ برداشتند، در چنین  
وضعیتی وجود تک تک افراد دارای اهمیت ویژه‌ای  
است. شخصی گفت: یا رسول الله این دو نفر به تازگی  
رسیده و ایمان آورده‌اند، اما آنان را مجبور به معاهده  
کرده‌اند. این وعده به زور گرفته شده و اعتباری ندارد،  
از این رو به آنان اجازه دهید تا در جهاد شرکت کنند.  
این جهاد و مبارزه یک مبارزه‌ی معمولی نبود، بلکه  
«یوم الفرقان» بود. هرکس که در آن شرکت کرد، بدری  
گفته شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی اهل بدر فرمود:  
«خداوند جل جلاله گناهان گذشته و آینده‌ی اهل بدر را  
بخشید». غزوه‌ای به این عظمت و رخدادی به این  
بزرگی در حال انجام است.



حضرت حذیفه بن یمان رضی الله عنه می‌خواهد، که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در این غزوه شرکت کند. سردار دو عالم صلی الله علیه و آله در جواب می‌فرماید: خیر، آن عهدی که با لشکر ابوجهل بسته‌اید، بر جای خود استوار است و مومن هیچگاه پیمان شکنی نمی‌کند. از این رو شما نمی‌توانید، در جنگ شرکت کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از جنگ بر حذر داشت. (۱)

در چنین شرایطی انسان باید پای‌بند به اصول باشد نه این که با زبان بگوید که ما پرچمدار حقوق بشر هستیم، اما بر زنان و کودکان هیروشیما و ناکازاکی بمب اتم بریزد که نسلهای بعدی آنان نیز معلول به دنیا بیایند. هرگاه نوبت عمل به گفته‌های خودشان برسد، ملاحظه هیچ اصل اخلاقی و رفتاری را نمی‌کنند.

پس به این نتیجه می‌رسیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها حقوق بشر را تعیین فرمودند، بلکه با عمل خود به مردم نیز ارایه کردند. از جمله حقوقی که اسلام برای بشر در نظر گرفته، عبارتند از:

### ۱- حفظ جان در اسلام

اولین حق یک انسان این است که جان او در امان باشد. این حق اساسی یک انسان است و هیچ کس حق تعرض به آن را ندارد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (۲)

«و نفسی را که خداوند کشتنش را حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید».

نباید به جان هیچ انسانی دست درازی شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این فرمان را صادر فرمود که هنگامی که برای جنگ می‌روید و با کفار و دشمن مبارزه می‌کنید، باز هم اجازه ندارید که بر بچه‌ها، زنان و سالمندان دست بلند کنید.

این دستور در حال جهاد صادر شد و این مسأله به گونه‌ای نبود که فقط بر زبان جاری شود، همان‌گونه که قبلاً عرض کردم، بسیاری با زبان دم از حفظ حقوق بشر می‌زنند، اما در عمل زنان و بچه‌ها را به خاک و خون می‌کشند. اما یاران جان نثار رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن این فرمان بر این اصل عمل کردند و به بشریت نشان دادند که هیچ‌گاه نباید بر سالمندان، بچه‌ها و زنان دست بلند کرد.

### ۲- حفظ مال در اسلام

حفظ مال یک انسان، حق دوم اوست. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ (۳)  
«ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید».

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این اصل هم عمل کردند. این گونه نبود که با توجیه عملکرد خود مال مردم را بخورند و تا زمانی که روابط خوب است دیانت و امانت را رعایت می‌کنند، اما همینکه جنگ در گرفت و دشمنی آغاز شد، تمام حسابهای بانکی مسدود شود. چون در مقابل هم قرار می‌گیرند، حقوق بشر از

بین می‌رود و هیچ تضمینی برای حفظ مال وجود ندارد. اما نمونه‌ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای حفظ مال به بشریت عرضه کرد، قابل بررسی و تأمل است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر با یهود در حال جنگ است. ایشان با یاران خود به قلعه‌ی خیبر هجوم بردند و قلعه خیبر در محاصره در آمد. در خیبر یک چوپان ساده با اجرت گوسفند می‌چرانید. این چوپان با خود گفت که چون لشکر اسلام در اطراف قلعه خیبر مستقر شده و نام «محمد» را بسیار شنیده‌ام، بروم و از نزدیک با ایشان ملاقات کنم که چه می‌گوید و چگونه انسانی است. گوسفندان را برداشت و از قلعه بیرون آمد و در لشکر اسلام به جستجوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرداخت. از یک نفر پرسید: محمد کجاست؟ او پاسخ داد که در فلان خیمه تشریف دارد. او می‌گوید: من باور نمی‌کردم که یک سردار و نبی با این عظمت در یک خیمه ساده که با تنه‌های نخل خرما استوار شده، مستقر شود، اما چون از مردم چند بار همین مطلب را شنیدم به سوی همان خیمه راه افتادم.

وقتی وارد خیمه شدم پرسیدم: «یا رسول الله شما حامل چه پیامی هستید؟». ایشان به طور مختصر عقیده‌ی توحید را برایم توضیح داد. من گفتم: «اگر این پیام شما را بپذیرم، به چه مقامی می‌رسم؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما با آغوش باز از شما استقبال می‌کنیم و شما برادر ما می‌شوید و از هر حقی که به سایرین تعلق دارد، شما نیز بهره‌مند می‌شوید». من گفتم: «شما شوخی می‌کنید، بنده یک چوپان ساده و سیه چرده هستم از بدنام بوی بدی به مشام می‌رسد، با وجود این شما مرا به آغوش می‌گیرید، در حالی که دیگران مرا با ذلت از خود می‌رانند و با من رفتار توهین آمیزی دارند! علت این استقبال گرم شما چیست؟». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همه مخلوق خداوند جل جلاله در برابر او یکسان هستند و به همین جهت من شما را به آغوش می‌گیرم». من گفتم: «اگر من سخنان شما را بپذیرم و مسلمان شوم، عاقبت کار من چه خواهد بود». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر در همین جنگ کشته شوید، من گواهی می‌دهم که خداوند جل جلاله سیاهی چهره شما را به نور و بوی بد شما را به بوی خوش تبدیل خواهد کرد».

پس از این گفتگو آن چوپان متأثر شد و گفت: «اگر چنین است من ایمان می‌آورم» «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

و سپس ادامه داد: «حالا که من مسلمان شدم، شما هر دستوری صادر فرمایید، اطاعت می‌کنم». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ابتدا به او دستور نماز و روزه را نداد، بلکه اولین دستور این بود که ابتدا

۱- الاصابه ج: ۱ ص: ۲۱۶ ۲- انعام: ۱۵۱

۳- النساء: ۲۹



#### ۴ - حفظ اقتصاد در اسلام

بشر برای گذراندن زندگی نیاز به کسب و کار دارد، در این مورد رسول خدا ﷺ این اصل را بیان فرمود: هیچ انسانی اجازه ندارد که برای حفظ قدرت و سرمایه خود، راه کار و کسب را بر دیگران ببندد.

از طرفی نیز اجازه دادند که هر گونه قراردادی که لازم می‌دانید، منعقد کنید که به آن آزادی انعقاد قرار داد (Freedom of Contract) می‌گویند. اما هر قراردادی که برای جامعه زیان آور باشد و در نتیجه‌ی انعقاد آن درب کسب و کار بر دیگران مسدود شود، حرام است. ایشان فرمودند: «لا بیع حاضر لباد» یعنی «هیچ شهر نشینی اجازه ندارد که اموال یک روستایی را بفروشد»<sup>(۱)</sup>.

وقتی یک روستایی محصولات کشاورزی و سبزیجات خود را برای فروش به شهر می‌آورد، نباید یک شهر نشین دلال و وکیل او شود.

این سؤال مطرح می‌شود که چه اشکالی دارد که دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آن دو مال را بفروشد و دست مزد دریافت کند؟ جواب این است که آن شهر نشین اموال را می‌خرد و احتکار می‌کند تا تسلط خود را بر بازار حفظ کند و در نتیجه‌ی تسلط یک نفر بر بازار، درب کسب و کار بر دیگران بسته می‌شود، به همین جهت رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لا بیع حاضر لباد» یعنی «هیچ شهر نشینی اجازه ندارد که اموال یک روستایی را بفروشد».

کسب روزی حق هر انسان است و هیچ کس اجازه ندارد برای حفظ قدرت سرمایه‌ی خود، درب کسب را بر دیگران مسدود نماید. همچنین با خوردن ربا و احتکار سرمایه‌ی خود را به صورت کالا در انبار انباشته کند و بدینوسیله نبض بازار را در دست گیرد و اگر کس دیگری بخواهد برای کسب در آمد وارد بازار کار شود، همه در بها بر او بسته باشد.

رسول خدا ﷺ کسب در آمد را یکی از حقوق اساسی یک انسان قرار داده، می‌فرماید: «دعوا للناس یرزقهم الله بعضهم ببعض» یعنی «مردم را بگذارید که خداوند بعضی را بوسیله بعضی دیگر روزی می‌دهد». بدین سان، باید اقتصاد مردم حفظ شود، این حق را رسول خدا ﷺ برای بشریت تعیین فرمود و حفظ آن را به صورت عملی به مردم نشان داد.

#### ۵ - حفظ عقاید در اسلام

اگر شخصی عقیده‌ای را می‌پذیرد، هیچ ممانعتی وجود ندارد و هیچ کس نمی‌تواند او را مجبور کند که دین دیگری را اختیار کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾<sup>(۲)</sup> یعنی «هیچ

گوسفندان را به صاحبانشان بازگردان بعد به شما خواهیم گشت که چه کاری باید انجام دهی.

این گوسفندان از اموال یهود بودند که پیامبر خدا ﷺ به آنان حمله کرده و در حال جنگ بود و اموالشان به غنیمت برده می‌شد، اما در این مورد بخصوص، حضرت پیامبر ﷺ فرمود: «اگر این اموال را در زمان جنگ به غنیمت می‌گرفتیم، تصاحب آن جایز بود ولی شما این گوسفندان را طی یک قرار داد تحویل گرفته‌اید و این قرار داد و پیمان شما را ملزم می‌کند که از گوسفندان محافظت کنید. شما باید به این پیمان و عهد وفا کنید زیرا حق آنان است از این رو شما گوسفندان را به صاحبانشان بازگردانده، دوباره نزد من بیایید».

او گفت: «یا رسول الله ﷺ گوسفندان مال کسانی هستند که تشنه‌ی خون شما هستند و شما چطور می‌خواهید اموالشان را بازگردانید؟».

رسول خدا ﷺ فرمود: «آری، ابتدا گوسفندان را بازگردانید»، چنانکه آن چوپان همه‌ی گوسفندان را بازگرداند. آیا در دنیا نمونه‌ای وجود دارد که در میدان جنگ و در حال جنگ این حق ادا شود؟

به هر صورت، این مسأله که مال یک انسان باید حفظ شود، صرفاً یک شعار نیست، رسول خدا ﷺ با عملکرد خود حقیقت حفظ مال را روشن فرمود، یعنی باید اموال کافر و دشمن (اگر پیمانی صورت بگیرد) حفظ شود.

#### ۳ - حفظ آبرو در اسلام

سومین حق اساسی یک انسان حفظ آبروی اوست. امروزه بسیاری از مردم شعار می‌دهند که حافظ آبرو هستند. برای اولین بار رسول خدا ﷺ اعلان فرمود: که بخشی از آبروی یک انسان این است که پشت سر او بد نگویید و غیبت نکنید. امروزه مدافعین از حقوق بشر شعار می‌دهند، اما هیچ کس نیست که کمترین اهمیتی به مسئله بد گویی پشت سر مردم بدهد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «غیبت کردن و گوش دادن به غیبت هر دو حرام است». همچنین فرمود: «دل هیچ انسانی را نشکنید، زیرا این هم گناه کبیره است».

افقه صحابه، حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه با رسول خدا ﷺ در حال طواف خانه کعبه هستند. رسول خدا ﷺ فرمود: ای کعبه تو نزد خداوند جل جلاله بسیار مقدس و با عظمت هستی، بعد رو به عبدالله بن مسعود کرد و گفت: ای عبدالله، این خانه کعبه بسیار مقدس و بزرگ است، اما تقدس یک چیز از خانه کعبه نیز بیشتر است و آن تقدس جان، مال و آبروی انسان است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اگر کسی به جان، مال و آبروی یک انسان به طور ناحق حمله کند، جرم او از جرم کسی که خانه کعبه را تخریب کند نیز بزرگتر است». این حقی است که رسول خدا ﷺ برای یک انسان در نظر گرفته است.

۱- هدف این است که کسی دلال و واسطه قرار نگیرد. مترجم



اجباری در دین نیست».

اگر یک مسیحی یا یهودی بخواهد بر همان عقیده خود باقی بماند مختار است و قانون نمی‌تواند به او اسلام را تحمیل کند. البته می‌توانیم او را به اسلام دعوت کنیم و حقیقت را برای او روشن کنیم، اما نمی‌توانیم او را مجبور کنیم که دین اسلام را بپذیرد.

شایان ذکر است که چنانچه فرد کافری یک بار اسلام آورد و به خوبی‌های اسلام پی برد، دیگر اجازه ندارد که در دارالاسلام بطور آشکار مرتد شود، زیرا اگر او راه ارتداد را برگزیند، در جامعه فساد ایجاد می‌کند و این فساد باید ریشه کن شود. از این رو هیچ کس اجازه ندارد که عامل فساد در یک جامعه باشد. به هر صورت این اصول اگر با معیار عقل و فهم دیگران منطبق نیست باز هم اصولی است که پیامبر خدا ﷺ تعیین فرموده است. حق و حقیقت همان است که خدا و رسول آن را بپذیرد. یک انسان اجازه دارد که از همان ابتدا یک عقیده را بپذیرد. اگر ارتداد جرم نمی‌بود، اسلام بازیچه‌ی دست دشمنان اسلام قرار می‌گرفت. بسیاری برای تمسخر، اسلام می‌آوردند و سپس مرتد می‌شدند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهٍ النَّهَارِ وَآكْفَرُوا آخِرَهُ﴾ (۱)

یعنی «گروهی از اهل کتاب گفتند که به دین و کتابی که بر مسلمانان نازل شده، اول روز ایمان آورید و آخر روز کافر شوید».

کفار با سوء استفاده از این تسامح، اسلام را به یک نمایش تبدیل می‌کردند. از این رو اسلام اجازه نمی‌دهد که در دارالاسلام کسی مرتد شود، البته اگر یک مسلمان عقیده‌ی دیگری را می‌پذیرد باید از کشور اسلامی خارج شود و در آنجا هر چه می‌خواهد انجام دهد. اما این اجازه را ندارد که عامل فساد در جامعه اسلامی باشد.

### عملکرد حضرت عمر فاروق رضی الله عنه

تا اینجا پنج حق از حقوق بشر بیان شد:

- (۱) حفظ جان. (۲) حفظ مال. (۳) حفظ آبرو. (۴) حفظ اقتصاد. (۵) حفظ عقیده.

این پنج اصل از حقوق اساسی یک انسان به شمار می‌روند، اما نکته قابل توجه این است که بسیاری دم از حفظ این حقوق می‌زنند، اما تنها کسانی که به این گفته‌ها عمل کردند محمد رسول الله ﷺ و یارانش بودند.

در زمان حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در بیت المقدس برای حفظ جان، مال و آبروی کفار از آنان مالیات می‌گرفتند.

در یک مورد نیاز شدیدی پیش آمد و لازم شد که ارتش را از بیت المقدس به جبهه دیگری منتقل کنند. حضرت عمر فاروق رضی الله عنه فرمود: ما مسؤولیت حفاظت کفاری را که در بیت

المقدس سکونت دارند، به عهده گرفته‌ایم و اگر ارتش را منتقل کنیم؛ چه کسی از آنان محافظت می‌کند، در حالی که ما از آنان مالیات گرفته‌ایم، اما نیاز شدیدی هم به این انتقال داریم. از این رو تمام کفار را فرا خواند و گفت: ما مسؤولیت محافظت از شما را به عهده گرفته بودیم و به همین دلیل از شما مالیات می‌گرفتیم، اما حالا به ارتش خود نیاز داریم و نمی‌توانیم به خوبی از شما محافظت کنیم و ارتش نمی‌تواند اینجا بماند. به خاطر انتقال ارتش از اینجا تمام مالیاتی که از شما وصول کرده‌ایم به شما باز می‌گردانیم.

خلاصه مطلب این که رسول خدا ﷺ اساسنامه‌ای برای حقوق بشر ارایه داد و با عمل خود به جهانیان عرضه داشت و در حقیقت حقوق بشر همان است که بر آن عمل شود.

امروزه بروشورهای زیبایی از منشور حقوق بشر چاپ و در جهان پخش می‌شود، اما همین ناشران فرمان حقوق بشر بخاطر منافع خود با بی‌باکی تمام، هواپیماهای مسافربری را هدف موشک قرار داده، موجب سقوط آنان می‌شوند، در حالی که در آنها مسافرین بی‌گناه در حال مسافرت هستند. هر ظلم و ستم و جور و شکنجه‌ای را برای مظلومین جهان با بی‌پروایی تمام می‌پذیرند، اما زمانی که منافع خودشان در خطر باشد، آن هنگام مسئله‌ی نقض حقوق بشر مطرح می‌شود.

پیامبر خدا ﷺ به چنین حقوق بشری قایل نیست. خداوند جل جلاله با فضل و کرم خود به ما شناخت صحیح حقیقت و آثار مخرب این تبلیغات مسموم و باطل را عنایت کند. بعضی از مسلمانان از این تبلیغات به وحشت افتاده و مرعوب می‌شوند و با عذر خواهی و دست بسته به جهانیان می‌گویند: «اسلام مخانثتی با شما ندارد و همه حقوقی را که شما می‌گویید تایید می‌کند و برای این کار قرآن و سنت را تأویل می‌کنند تا به هر صورت ممکن طبق رضایت آنان باشد». باید به یاد داشته باشید که قرآن می‌گوید:

﴿وَإِن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ﴾ (۲)

یعنی «هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه از آیین آنان پیروی کنی، بگو ای پیامبر راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است».

از اینرو تا زمانی که به این باور نرسید که هر کس هر چه می‌خواهد اعتراض بکند، مجاز است، اما هدایت همان است که خدا و رسول او عنایت کرده است، پیروز نخواهید شد. پس از این شعارها به وحشت نیفتید و مغلوب نشوید. امیدوارم خداوند به ما این توفیق را عنایت کند.

